

آمار گو دوزی لر خند

نانه معطر در باغستان شادم کرد. گرچه گلده کرده اند که چراغی خبر بگویم. من که تلفی کنم باید بگویم آنچه در زندان است.
 مرضی بگویم تمام محاسن و خودم هم کار دارم. خیال می کنید دیدار تنها سارا شاد ما کرد! لطفاً از حام بر سریده اند. باید بگویم
 از آنچه دارم انتظار زیاد تر ندارم. فعلاً که سلامتی و کار زوایا خوب است.

شماره ۹۷ هر ۹۷ مجله بر آنکه در آن سرزمین برام فرستادند. نفتم و نسخه دیگر از آن شماره برام از آنجا برام
 فرستادند که نسخه اضافی را بر آنجا فرستادم. «فضل کتاب» فرستادم تا در شماره دوم آن نشریه، بر آن نیز معرفی کنند.
 نخستین شماره فضل کتاب در بهار ۱۳۵۷ نشر شد که شامل کتاب - دو مجله است. آنکه در آنجا در خارج چاپ شده.

مما باشد با چند نقد ادبی که یکی هم در بر این است. اما در شرط، راه است.
 و اما سلام من آمار بهار (سلام به آن!) همچنان در پیله، لصدیر کرده اند، بی آنکه سبب آنرا در نظر
 گرفته باشند. اگر او بخواند و حتی هر کتاب باشد که سارا گوید صدای رقابت و گویند توری که این و آن است.
 و با هزینه که یا نداشتن که فرق نمی کند، به این بود آن سوگشانه و رانده شود. باید چه کند؟ آیا و (ارستگی)
 گاهی تنها که همیشه جسم پرستی و بی نمانی از شهرت که کارد و موی، بهرین راه آرایش جان و وجدانی است؟
 و یک روز ملام را به رفتن بگذرانتم و امید را از دست ندادم و همکاران از رفتن که با همزمانی و همردان و
 هم بهمان خود از یادانه به گفت و شنود و درد دل نشستن...

بچه سگنی بنیان گذار شود ادب روک می گوید دو چند موصوف رسد و اعتدلا شمر است. نقد بر استن
 سازنده و مردم آرد که خوانندگان و شنوندگانی شوش می مانند. از شما هم اسم، راه در سر استرنی
 کدام یک از این دور ادب است؟ البته مردم را در همه و عشق آنگین آنها را. همان آنگی که فراتر استن
 کشیده اند، با هم دوری؟ و از او هم رسم هر آنروز از صبح که دعوت را از درون، سترانه در رادلو،
 سو خوانی در ساران زبان درکت در یک گرد می آید؟ در حالیکه هم این کار را دوست می دارد و
 توانا در آن را کار در. در استن ای است که من از رو سبقتوان مترقی ایران مالی انتظار می بینم و و الا کار دارم.
 اما امید به آنها همچنان روح گوی است. زیرا که آنها در راد در دل سینه و شنوندگان فریبک ملی با نقی بر جبهه آر دارند.
 دوست آمده عزیز که حتی هر سه را نمی توانم در خیالم تصور کنم، بنحیثی که با شان دادگی گوید از دنیا می آید و
 وقت سارا گزیم. سارا در روز ننه با سید.

راه

زند ۳ نوامبر ۱۹۸۱